

مقدمه

حریری

ابو محمد قاسم بن علی بن محمد بن عثمان حریری حرامی بصری، در سال 446 در مَشان به دنیا آمد. مشان از نواحی اطراف بصره است که به داشتن انواع خرما و میوه و البته هوای ناخوش و آلوده مشهور و زبازد بوده است.¹ گفته شده است شاید پدر یا یکی از اجداد وی حریرباف یا حریرفروش بوده و به همین مناسبت به حریر (نوعی از پارچه) منسوب شده است.² حریری پس از سپری شدن دوران کودکی به بصره رفت و در محله بنی حرام سکونت گزید و از همین روی او را حرامی نیز می‌گویند.³

وی نخست در بصره و سپس در بغداد به فراگیری علوم ادب، از قبیل نحو و لغت و نیز فقه و اخبار مشغول شد و از محضر استادانی چون ابوالحسن علی بن فضال مُجاشَعی قیروانی (متوفی 479 ق.) در ادب، و ابواسحاق شیرازی (393 یا 396-476 ق.) در فقه بهره برد.⁴ وی زمانی صدر دیوان مشان بود و زمانی به کار انشاء و کتابت در دیوان خلیفه عباسی اشتغال داشت.⁵ حریری از بزرگان دیار خود به شمار می‌آمد و از لحاظ مالی وضعیت مناسبی داشت تا آنجا که گفته‌اند در مشان، محل تولدش، صاحب هجده هزار نخل خرما بود.⁶

وی سرانجام پس از هفتاد سال زندگی، در ماه رجب سال 516 ق. در بصره وفات یافت.⁷ از وی دو پسر به نام‌های عبدالله و عبیدالله بر جای ماند که بعدها عبیدالله معروف به ضیاء الاسلام به مقام قضاوت بصره رسید.⁸ حریری علاوه بر مقامات، آثار دیگری نیز از خود بر جای گذاشت که از جمله آنها می‌توان: *دره الغواص فی اوهام الخواص* در انتقاد بر غلط‌های رایج بین ادبا، و *مُلحَة الإعراب فی صناعة الأعراب* در نحو، را نام برد. همچنین از وی دیوان شعر و دیوان رسائل بر جای مانده است.⁹

زمینه‌های پیدایش مقامه‌نویسی

مقام و مقامه در لغت به معنای مجلس است و به گروهی از مردم که در مجلسی جمع می‌شوند نیز مقامه گویند.¹⁰ کلمه مقامه و جمع آن مقامات در قرون اولیه اسلامی برای دلالت بر آنچه که کسی در برابر خلیفه یا شخص بزرگ دیگری می‌گفت مصطلح شد، و به پند و موعظه و اندرز ملوک و پادشاهان نیز اطلاق می‌گردید. در قرن سوم این واژه به معنای استغاثه‌گدایان، و درخواست نیازمندان و بینوایان - که غالباً به صورت مسجع و آهنگین بود - به کار رفت و با این تغییر معنا اصطلاح مقامه که نخست به مراکز درباری منحصر بود وارد زندگی مردم شد و در ادبیات عامه نمود پیدا کرد.¹¹

مقامات در معنای مصطلح خود به معنی سلسله‌ای از داستان‌ها و رخدادهای کوتاه است که در آنها راوی معینی، شخصیت اصلی داستان را در حالات مختلف با عبارات مسجع و مقفا و آهنگ‌دار توصیف می‌کند. عنصر اصلی مقامه تکیه بر لفظ‌پردازی و توجه فراوان به بازی‌های زبانی است. مقامات سرشار از آرایه‌های لفظی و بدیعی است و در آنها استشهاد به آیات، احادیث، مثل‌ها، لغزها، اصطلاحات علوم مختلف و... به فراوانی دیده می‌شود. میزان توجه به لفظ در مقامات تا آنجاست که برخی آن را تمرینی برای ایراد لغات و فراگرفتن و به کار بردن آنها و جمع الفاظ زیبا و نوادر کلام می‌دانند.¹²

در باب اینکه نخستین مقامه‌نویس در زبان عربی چه کسی بوده است در میان صاحب‌نظران اختلاف نظر وجود دارد. برخی بدیع الزمان همدانی را مبتکر فن مقامه‌نویسی می‌شمارند؛ چنان‌که حریری خود در مقدمه مقاماتش به این نکته اشاره دارد.¹³ برخی دیگر واضع اصلی مقامات را ابن دُرَید (متوفی 321 ق.) می‌دانند و بعضی دیگر معتقدند بدیع الزمان مقامه‌نویسی را از استاد خود ابوالحسین احمد بن فارس (متوفی 359) تقلید کرده است. امروزه از مقامات احمد بن فارس اثری در دست نیست، همچنین مسلم است که نام مقامات از اختراعات بدیع الزمان است نه ابن درید؛ زیرا وی مجلس‌های خود را احادیث نامیده است.¹⁴

پیدایش مقامات در ادبیات عرب معلول شرایط اجتماعی و فرهنگی خاصی بوده است. در قرون چهارم و پنجم هجری، خلفای عباسی و درباریان آنها با تمدن‌های ساسانی و بیزانسی آشنا شده بودند و با تقلید از آنها می‌کوشیدند در تنعم و برخوردارگی و تجملات شاهانه زندگی کنند. از سوی دیگر، رنج و ستم آنها بر توده مردم، موجب فقر و گرسنگی و سبب پیدایش گروهی از گدایان حرفه‌ای شده بود که برای رفع نیازهای خود به هر وسیله ممکن در دل اغنیا رخنه می‌کردند. این افراد با سبک‌های خاص و استفاده از عبارات مسجع، ثروتمندان را مخاطب قرار داده و به خواسته‌های خویش نایل می‌شدند. همچنین، سرگرمی مردم در این دوران، جمع شدن در مساجد، بازارها و سایر مراکز اجتماع افراد بود. آنان در این مکان‌ها به قصه‌های روایان گوش می‌سپردند و قصه‌گویان پس از نقل داستان‌های خویش از حاضران گدایی می‌کردند؛ همین سبک را در مقامات بدیع الزمان همدانی و حریری می‌بینیم که بازتابی از آن شرایط و ویژگی‌هاست.¹⁵

دربارها به دلیل ثروت‌های بادآورده، گاه به دانشمندان و عالمان و ادیبان، عطاها و بخشش‌هایی می‌کردند که صورت افسانه به خود می‌گرفت. از این رو، عالمان و ادیبان درباری می‌کوشیدند تا به هر وسیله‌ای برتری خویش را بر رقیبان درباری خود به اثبات برسانند. گسترش این رقابت‌ها در میان شاعران و ادیبان عاملی برای گسترش تکلف و تصنع روزافزون در سخن بود، زیرا هر کس می‌کوشید تا در عبارت‌پردازی و به کارگیری صناعات ادبی بر دیگران پیشی جوید. این شرایط راه را برای پیدایش مقامات و نوشته‌هایی از این دست فراهم می‌کرد؛ زیرا نویسندگان می‌توانستند از این طریق قدرت و مهارت خویش را در استخدام اسلوب‌های لغوی و ادبی به نمایش بگذارند.¹⁶

تطور و رواج مقامه‌نویسی

نگارش مقامات که با بدیع الزمان همدانی آغاز شده بود راهی نو در ادبیات عرب گشود و بلافاصله از سوی دیگر ادیبان مورد تقلید قرار گرفت، به گونه‌ای که از آغاز قرن پنجم تا اواسط قرن چهاردهم هجری حدود هشتاد نویسنده به نگارش مقامه پرداختند. از این جمله می‌توان مقامات عبدالله ابن ناکیا (416-485 ق.) که خود اهل بغداد بود؛ اما گویا نسبش سریانی یا ارمنی بوده، مقامات محمود بن عمر زمخشری (467-538 ق.)، مقامات ابوالفرج ابن الجوزی (508 یا 510-597 ق.)، مقامات ابن صیقل الجرجزی (متوفی 701 ق.)، و مقامات ابن الوردی (متوفی 749 ق.) را نام برد.¹⁷

مقامه‌نویسی در عصر جدید نیز توانست جایگاه خود را در بین اعراب حفظ کند، ناصف یازجی (1214-1287 ق.) ادیب لبنانی شصت مقامه به تقلید از حریری نوشت که صرفاً هدف تعلیمی دارد. افراد

دیگری نیز کوشیدند تا همچنان از طریق مقامه‌نویسی به اظهار فضل بپردازند؛ اما هیچ نوآوری در ریخت کلام و ساختمان مقامه و حتی موضوع و مضمون نداشتند. نویسندگانی نیز مقامه را قالبی برای انتقاد اجتماعی قرار داده و از لحاظ صورت و فرم به داستان‌نویسی جدید نزدیک کردند، از جمله این افراد می‌توان محمد مویلی (1845-1905 ق.)، امین ابراهیم شمیل (1818-1897 ق.) و احمد فارس الشدّیاق (1805-1887 ق.) را نام برد.¹⁸ بدین‌گونه مقامه‌نویسی عرب پس از گذشت بیش از هزار سال از عمر خود، با نوعی دگرگونی ادبی به دوران معاصر وارد شد.

مقامه‌نویسی در ادب فارسی

مقامه‌نویسی که در میان اعراب شکل گرفته بود، بعدها در زبان فارسی نیز نفوذ یافت، اما رواج چندانی نیافت. برجسته‌ترین اثری که در زبان فارسی به تقلید از مقامه‌نویسی عرب پدید آمد مقامات حمیدی اثر قاضی حمید الدین ابوبکر عمر بن محمودی بلخی است که در سال 551 ق. به نگارش درآمده است.¹⁹ با وجود همسانی‌هایی که میان مقامات حمیدی با مقامات همدانی و حریری وجود دارد، اما یک تفاوت عمده در اثر حمیدی به چشم می‌آید و آن اینکه موضوع اصلی و عمومی این اثر مانند مقامات همدانی و حریری صرفاً کدیه و گدایی نیست؛ بلکه مسایلی از جمله مناظره پیر و جوان، پزشک و منجم و موضوعاتی از قبیل بهار، عشق و جنون، تفکرات صوفیانه و ... در آن مطرح می‌شود.²⁰

فن مقامه‌نویسی در ادب فارسی چندان مورد قبول واقع نشد و جز دو سه مقامات که آنها نیز در گمنامی به سر می‌برند و عموماً مربوط به دوران متأخر هستند، اثری در این باب تألیف نشد.²¹ عده‌ای عقیده دارند که گلستان سعدی، روضه خلد، بهارستان جامی، نگارستان غفاری، پریشان قآنی و کتبی از این دست نمایشگر مقامه‌نویسی ایرانی است.²² اما مشخص است که این ادعا نمی‌تواند چندان مورد قبول واقع گردد زیرا اگرچه لفظ‌پردازی در این آثار وجود دارد، اما اولاً موضوع و محتوای این آثار با مقامات متفاوت است و ثانیاً ساختار این آثار با مقامات عربی مشابهت چندانی ندارند. به عنوان نمونه، تاریخ نگارستان قاضی احمد غفاری کاشانی، یک کتاب تاریخی است که قصص و نوادر تاریخ اسلام و ایران را تا سال 908 ق. جمع آورده است.

برای عدم اقبال و پذیرش عمومی مقامه در ادب فارسی دو علت اساسی ذکر شده است: نخست اینکه، ساختار این فن مبتنی بر سجع و جناس است، که اگرچه در زبان عربی دسترسی به این دو آسان است اما در ادب فارسی نمی‌توان به راحتی و فراوانی به کلمات مترادف دست یافت. دوم اینکه، ذوق داستان‌پردازی ایرانی حکایت را به خاطر اهداف تربیتی و صورت‌های تمثیلی معنی‌دار خوش دارد، حال آن که مقامه نمی‌تواند چنین چیزی را تحقق بخشد.²³

داستان‌های پیکارسک

پیکارسک²⁴ نوعی از آثار داستانی در ادبیات اروپایی است که به ماجراهای قلاشان و گدایان می‌پردازد و ریشه‌های اصلی آن در اسپانیا قابل ردیابی است.²⁵ گفته‌اند در رمان پیکارسک اسپانیایی داستان زندگی و ماجراهای یک قلاش که از والدینی تهیدست و غیر آبرومند زاده شده نقل می‌شود. او از اربابی به سراغ اربابی

دیگر می‌رود و در خدمتگزاری سر همه آنها را کلاه می‌گذارد. در روایت خود آنها را وصف و هجو می‌کند و سرانجام وقتی انواع ناملایمات و سختی‌ها را پشت سر می‌گذارد و با محک قلاشانه‌اش بی‌اعتباری مال و مقام آدمی را می‌سنجد، داستان خود را به پایان می‌برد.²⁶

انتشار روایت‌های پیکارسک جدید تحت‌الشعاع محبوبیت دُن کیخوته و حکایت‌های عبرت‌آموز سروانتس قرار گرفت.²⁷ به تدریج روایت‌هایی که درون‌مایه پیکارسکی داشت در قرن شانزدهم بر اثر ترجمه‌های آزاد و با دخل و تصرف از داستان‌های اسپانیایی به سایر زبان‌های اروپایی وارد شد.²⁸ در سده بیستم شاهد تقلیدهای آگاهانه از سنت‌های پیکارسک آغازین که به زندگی گدایان و ولگردان می‌پردازد هستیم. در لندن و پاریس اثر جورج اُروِل هر چند از نظرگاه اول شخص روایت شده است، اما در وهله نخست کتابی است در باب فقر در پایین‌ترین لایه‌های اجتماعی؛ و گدایان و ولگردانی را به نمایش می‌گذارد که هیچ‌یک واقعاً تبه‌کار نیستند.²⁹

در مقایسه‌ای گذرا میان مقامه‌نویسی در فرهنگ و ادب عرب و پیکارسک در فرهنگ اروپایی می‌توان شباهت‌ها و اختلافاتی را که این دو نوع ادبی با یکدیگر دارند در چند مورد به صورت خلاصه بررسی کرد: اگر علت پیدایش هر کدام از این آثار ادبی مورد توجه قرار گیرد روشن می‌گردد که اساس پیدایش مقامه نه بر مبنای اصالت دادن به نوع خاصی از روایت داستانی بلکه به عنوان تمرینی در نوشتن و لفظ‌پردازی بوده است. مقامه‌نویسان هیچ‌گاه در نوشتن به اصل داستانی مقامه اصالت نمی‌داده‌اند و از همین رو است که جنبه‌های داستانی مقامه چندان درخور توجه نیست و داستان هر مقامه بیش از آن که مبتنی بر کنش یا تحول خاصی باشد مبتنی بر دیالوگ و سخن‌آرایی است.

پیکارسک‌نویسان اروپایی همواره در آثار خود بر جنبه داستانی تأکید می‌کنند و اصالتی خاص برای لفظ‌پردازی از آن گونه که در مقامات به چشم می‌خورد قایل نیستند، تلاش پیکارسک بر این است تا روایت و داستانی جذاب از زندگی پر فراز و نشیب مردمان فرودست را پیش چشم مخاطب بیاورد، روایتی که اگرچه گاه و بیگاه با ترفندهای طنزآمیز و هجوآلود لبخندی بر لبان خواننده می‌نشانند؛ اما بازتاب اعتراض به شرایط اجتماعی و تاریخی جامعه‌ای است که نویسنده در آن زندگی می‌کند.

از لحاظ فرم داستانی نیز مقامه و پیکارسک تفاوت‌هایی دارند که بیشتر در فنون حکایت‌گویی مقامات و شیوه‌های داستان‌پردازی پیکارسک‌ها نمود پیدا می‌کند. پیکارسک نوعی از روایت داستانی است که در آن زاویه دید و مقام راوی، تیپ‌های اجتماعی و... مورد توجه است، در حالی که در مقامه، که در اصل تمرینی برای نگارش متکلفانه و فنی بوده است، شخصیت راوی که ناظر داستان نیز هست با شخصیت اصلی داستان چندان تمایزی ندارد و شخصیت اصلی نیز دامنه کنش‌هایش بسیار محدود است.

این دو نوع ادبی شباهت‌هایی نیز با یکدیگر دارند. قهرمان اصلی در هر دو، مشخصاً فردی است که در لایه‌های پایین اجتماعی زندگی می‌کند و قلاشی و شیادی تنها راه زیستن اوست. قهرمان مقامه شخصیتی است که در هر قصه‌ای به شکلی در می‌آید و آن گاه که به مراد خود رسید، پرده از رخساره‌اش فرو می‌افتد و در مقابل چشمان مخاطب رسوا می‌شود. پیکارو نیز چنین شخصیتی است؛ مشخصاً اصلی او بی‌ثباتی است؛ به گونه‌ای که هیچ‌گاه در نقش‌ها و هویت خود ثبات و پایداری ندارد.³⁰

هر دو نوع می‌کوشند تا تلقی‌ها و برخوردهای جامعه با شخصیت اصلی اثر را به گونه‌ای نمادین به مخاطب بنمایانند، با این تفاوت که در پیکارسک نوک پیکان انتقاد بیشتر متوجه اجتماعی است که گدایان و قلاشانی چنین را می‌پرورد که مجبور می‌شوند برای گذران زندگی خود به هر عملی دست بزنند، اما در مقامه این انتقادهای متوجه شخصیت اصلی مقامه است، اوست که می‌خواهد با فریب مردمان به امیال و آرزوهای نامشروع خویش دست یابد. این دو نوع تلقی از اجتماع و شخصیت گدایشه، بازتابی است از تفاوت‌های فرهنگی ملل شرق و غرب.³¹

مقامات حریری

در باب نگارش مقامات حریری گفته‌اند: مردی با لباس‌های کهنه و مندرس و زبانی فصیح روزی به مسجد بصره وارد شد و به ایراد سخن پرداخت، وقتی که نامش را جویا شدند، خود را ابوزید سروجی معرفی کرد و حریری که خود شاهد این ماجرا بود به خانه رفته و مقامه حرامیه (چهل و هشتمین مقامه) را نوشت و آن را نزد یکی از بزرگان فرستاد. شخص مورد نظر از حریری خواست تا چندان بر آن بیفزاید که به پنجاه مقامه برسد.³² حریری سی و نه مقامه دیگر ساخت و عزم بغداد کرد.

در بغداد کسی او را تصدیق نکرد زیرا مردم نمی‌توانستند باور کنند حریری چنین مقاماتی را با این میزان از تصنع و تکلف و در عین حال بلاغت و لفظ‌پردازی‌های سحرگونه ساخته باشد. از همین رو، یکی از وزیران خلیفه از باب امتحان از حریری می‌خواهد تا یک مقامه دیگر بسازد، اما حریری هر چه می‌کوشد نمی‌تواند و همین عجز، دستمایه‌ای می‌شود برای تکذیب‌کنندگان او. حریری پس از این ماجرا به بصره باز می‌گردد و در آنجا با نگارش ده مقامه دیگر مقامات خود را به پایان می‌رساند.³³

در باب این روایت شک و تردیدهایی وجود دارد که چندان دور از صواب نیست، زیرا اگر در نظر بگیریم که مقامات حریری دقیقاً به وسیله خود وی تنظیم گردیده و دارای ابتدا و انتهای مشخصی بوده و هیچ نسخه چاپی یا خطی از مقامات جز به همین ترتیب مشهور نیست، لذا مقامه چهل و هشتم اولین مقامه‌ای نیست که او نوشته و اصولاً می‌توان گفت که حریری در آفریدن قهرمانانش از محیط خارج الهام نگرفته، بلکه از بدیع الزمان الهام گرفته و خود در صدر مقامات بدان اعتراف می‌کند.³⁴

حریری مقامات خود را در پنجاه مقامه به رشته تحریر درآورده است، انواع لفظ‌پردازی‌ها و بازی‌های زبانی، استفاده از لغات و واژگان فراوان و متنوع، به کارگیری آرایه‌های بیانی و بدیعی، استشهاد به آیات، احادیث و اصطلاحات علوم گوناگون و سایر مواردی که برای نگارش یک متن فنی و مصنوع لازم و کاراست در مقامات حریری خودنمایی می‌کند. این همه در روزگاری که تصنع و تکلف بر اریکه نظام و ساختار ادبی تکیه زده بود، مایه تشویق‌ها و تحسین‌هایی می‌شد که هر کسی را به وجد می‌آورد و حتی سال‌ها و قرن‌ها بعد نیز مقام حریری را در فن خود یعنی مقامات بی‌نظیر جلوه می‌داد.³⁵

در مقامات حریری دو شخصیت ثابت وجود دارد: نخست ابوزید سروجی، که شخصیت اصلی داستان‌هاست و حوادث هر مقامه در نهایت به او پیوند می‌خورد و با خروج او از صحنه، داستان به پایان می‌رسد. برخی ابوزید را شخصیتی خیالی می‌دانند که زاده ذهن و خیال حریری بوده است.³⁶ اما برخی دیگر

ابوزید سروجی را شخصیتی حقیقی دانسته‌اند که نام اصلی او مطهر بن سلار سروجی و مردی فاضل و اهل ادب بوده و در بصره می‌زیسته است. حریری در همان جا با وی آشنا شده و به استادی او همت گماشته، وی سرانجام در بغداد وفات یافته است.³⁷

شخصیت دیگری که در مقامات حریری به صورت ثابت نقش راوی را بر عهده دارد و عموماً نیز در پایان هر مقامه پی به ماهیت ابو زید می‌برد، شخصی است به نام حارث بن همام. در باب او تقریباً اتفاق نظر وجود دارد که شخصیتی حقیقی نبوده و نامش مأخوذ است از این حدیث پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - که: «كُلُّكُمْ حَارِثٌ وَ كُلُّكُمْ هَمَامٌ» یعنی همه شما کاسب و پیشه‌ور و بلندهمت‌اید.³⁸

اگرچه مقامات حریری زیرساخت داستانی و روایی دارد، اما مسلم است که هدف او بیش از هر چیز نشان دادن قدرت نویسندگی و توانایی کاربرد ماهرانه و شاعرانه زبان است. هر چند در لابه لای مقامات گاه می‌توان مضامین گوناگون اخلاقی، تربیتی و حتی اجتماعی یافت، اما جنبه‌های لفظی چنان بر سایر عناصر این اثر سایه انداخته، که خواننده پس از اندکی مطالعه در می‌یابد اگر بخواهد خویشتن را به رنج غوطه خوردن در این اثر، برای یافتن عناصر اجتماعی و تاریخی منحصر به فرد بیندازد، تلاشش فایده‌ای بیش نخواهد داشت.

معتقدان و منتقدان حریری

مقامات حریری از آغاز پیدایش مورد توجه اهل ادب قرار گرفت و به سرعت منتشر شد، چنان که در زمان حیاتش بیش از هفتصد نسخه از مقامات در اطراف و اکناف قلمروی اسلامی وجود داشت و پس از وی نیز در طول سال‌ها و قرن‌ها این کتاب به عنوان کتاب درسی مورد استفاده قرار می‌گرفت.³⁹ یکی از سنت‌هایی که در تمدن اسلامی پس از نگارش مقامات حریری پیدا شد و استمرار یافت، فراگیری و حفظ مقامات حریری بود که عده زیادی به آن تعلق خاطر نشان می‌دادند.

گفته‌اند ابو عبدالله محمد بن عمر معروف به ابن مرحل (665-716 ق.) مقامات حریری را در پنجاه روز حفظ کرد.⁴⁰ ابن اثیر در باب شهاب‌الدین محمد مقدسی معروف به شیخ صالح (متوفی 618 ق.) نیز حفظ مقامات در پنجاه روز را ذکر کرده است.⁴¹ برخی افراد در حفظ مقامات حریری چنان مشهور و معروف می‌شدند که مانند عبدالله بن حسن اصبحی مصری (554-621 ق.) به لقب مقاماتی خوانده می‌شدند.⁴² این سنت در دوران اخیر نیز همچنان پا بر جا بوده است به گونه‌ای که در باب محمد بن عبدالرزاق معروف به محمد گُرد علی (1293-1372 ق.) دانشمند معروف سوری نوشته‌اند که او مقامات حریری را از حفظ داشت.⁴³

نکته دیگری که در باب مقامات حریری شایان توجه است نسخه‌های مصوری است که از این اثر باقی مانده است. از این اثر حدود ده نسخه خطی مصور باقی مانده است که در نگاره‌های این نسخ تصاویری واقع‌گرایانه از صحنه‌های زندگی روزمره مردمان آن روزگار به چشم می‌خورد. این تصاویر در بردارنده اطلاعات ارزشمندی درباره طبقات مختلف اجتماعی و طرز زندگی و پوشش آنها، محیط‌ها و مکان‌های گوناگون از جمله مساجد و بازارها، ابزار و وسایل زندگی و ... است.⁴⁴

در طول صدها سال که مقامات حریری در عرصه ادب به جولان پرداخته، همواره عده‌ای در صدد نفی و معارضه با آن بوده‌اند. اما تاریخ نشان داده که هیچ‌یک نتوانستند حتی اندکی از جایگاه و اعتبار این اثر بکاهند.⁴⁵ البته پاره‌ای از انتقادات و اشکالات لغوی و بلاغی که به وسیله برخی ناقدان در باب این اثر مطرح شده است دور از انصاف و عدالت نیست و باید آن را پذیرفت.⁴⁶ این نقدها که گاه از موضع اجتماعی نیز شایان توجه است از روزگاران گذشته رواج داشته و نمونه آن را می‌توان در مقدمه ابن طقطقی (متوفی 709) بر کتابش که در سال 701 ق. تألیف کرده دید. وی می‌نویسد:

«این کتاب [الفخری] از کتب مقاماتی که مردم همواره بدان دل بسته، به فراگرفتنش راغب‌اند سودمندتر است، زیرا از مقامات جز عادت بر انشاء و آگاه شدن بر سبک‌های مختلف نظم و نثر چیزی استفاده نمی‌شود، آری در آن قدری از انواع حکمت و چاره‌اندیشی و تجربه وجود دارد، ولی همین باعث کوچکی همت می‌گردد، زیرا جملگی آن بر اساس خواهش و تکدی و به کار بردن حیل‌های زشت برای دست یافتن به چیزی اندک نهاده شده است. در این صورت اگر از یک طرف نفعی در آن باشد، از سوی دیگر زیانمند است. چنان که گروهی از مردم به این گونه عیب‌های مقامات حریری و بدیعی آگاه شده‌اند. و برخی به نهج‌البلاغه که از کلمات امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) است رو آوردند، زیرا نهج‌البلاغه کتابی است که حکم و مواعظ و خطبه‌ها و توحید و شجاعت و زهد و علو همت از آن آموخته می‌شود، و کمترین فایده آن فرا گرفتن فصاحت و بلاغت است.»⁴⁷

شارحان و مترجمان مقامات حریری

توجه به مقامات حریری، از دیرباز عده‌ای را بر آن داشت که به شرح این اثر بپردازند. عموم شروح مقامات به بررسی لغات، استعاره‌ها و کنایه‌ها، اصطلاحات علوم گوناگون که در مقامات به کار رفته و مواردی از این قبیل پرداخته‌اند. از قدیمی‌ترین شروحي که بر مقامات حریری نوشته شده است می‌توان شرح محمد بن عبدالله بن ظَفَرِ صِقَلِيّ مکی (497-565 ق.) با عنوان *المطول فی شرح مقامات الحریری* و شرح سلامه بن عبدالباقی أنباری (503-590 ق.) عالم و ادیب نابینای مصری را نام برد.⁴⁸

یکی از برجسته‌ترین و مهم‌ترین شرح‌هایی که بر مقامات حریری نوشته شده، شرحی است که احمد بن عبدالمومن قیسی شَرِيشی (557-619 ق.) ادیب و عالم اخباری اندلس بر مقامات حریری نگاشته است. وی این اثر را در دو جلد به رشته تحریر درآورد و چون بعدها دو شرح دیگر نیز بر مقامات حریری نوشت این اثر دو جلدی او به شرح کبیر، معروف شد. شرح دوم او که شامل مباحث لغوی مقامات است به شرح وسط، و شرح سومش که مختصر است به شرح صغیر مشهور شده است.⁴⁹

تعداد زیادی از شارحان مقامات حریری ایرانی تبار بوده‌اند؛ چنان که ابو عبدالله محمد بن عبدالرحمن پنج‌دیهی (521-584 ق.) منسوب به پنج‌ده در مرورود خراسان، شرحی مفصل همراه با اخبار و نکته‌های ظریف بر مقامات حریری نگاشت.⁵⁰ اندکی پس از او ناصر بن عبدالسید خوارزمی مطرزی (538-610 ق.) در ادیب، عالم و فقیه بزرگ خراسانی کتاب *الایضاح فی شرح مقامات الحریری* را به رشته تحریر درآورد.⁵¹ در دوران متأخر نیز همچنان این سنت ادامه داشته و ضیاءالدین نقشبندی (1190-1242 ق.) صوفی اهل

شهرزور، شرحی بر مقامات حریری نوشته که البته ناتمام باقی ماند.⁵² از آنجا که مقامات حریری به سرعت در قلمرو اسلامی منتشر و جزو کتب درسی شد، عده‌ای در صدد ترجمه آن برآمدند. کهن‌ترین ترجمه‌ای که از مقامات حریری به زبان فارسی در دست است، ترجمه‌ای است از فضل‌الله بن عثمان معروف به سراج کاتب که در سال 587 هجری به انجام رسانده است؛ از این ترجمه یک نسخه در کتابخانه موزه بریتانیا موجود است که در سال 662 ق. کتابت شده است.⁵³ ترجمه دیگری نیز به زبان فارسی از مترجمی ناشناس وجود دارد که در سال 686 ق. کتابت آن انجام پذیرفته است.⁵⁴ به طور کلی، فارسی‌زبانان چندان به ترجمه مقامات حریری به زبان فارسی علاقه‌ای نشان ندادند و با وجود انتشار فراوان این اثر در قلمرو اسلامی، ترجمه‌های فارسی آن بسیار اندک است. مهم‌ترین علل این امر را می‌توان در لفظ‌پردازی و رویه‌کاری‌های حریری و نابودی این تزیینات و تذهیبات در فرایند ترجمه و عدم جذابیت از حیث داستان و روایت دانست؛ زیرا لذت ایجاد شده از مطالعه مقامات در بالاترین سطح، ناشی از بازی‌ها و صناعات زبانی است که در ترجمه از بین می‌رود. اگر داستان‌های حریری، عربان از جنبه‌های لفظی و ادبی، مورد مطالعه قرار گیرند توانی برای جذب مخاطب نخواهند داشت.⁵⁵

مقامات حریری به زبان طبری نیز ترجمه شده است. نسخه منحصر به فرد این ترجمه که گفته‌اند در هیچ یک از منابع عربی و فارسی ذکری از آن نیست، در کتابخانه ملی ملک موجود است.⁵⁶ زمان نگارش این اثر را حدود قرن هفتم هجری گمان کرده‌اند. در باب اهمیت این ترجمه همین بس که آن را بزرگ‌ترین اثر به زبان طبری دانسته‌اند، که خود به تنهایی می‌تواند وضع این زبان و تحول آن را پس از اسلام و حتی از دوره میانه آن روشن سازد.⁵⁷ همچنین، یک ترجمه قدیمی عبری از مقامات، اثر جوده الحریزی (ح 1170-1230 م.) شاعر یهودی اسپانیایی در دست است که در سال 1872 م. در لندن به چاپ رسیده است.⁵⁸

با ورود اروپاییان به قلمروی مطالعات اسلامی، مقامات حریری نیز از توجه آنان محروم نمانده، و چند تن از شرق‌شناسان این اثر را به زبان‌های گوناگون اروپایی ترجمه کردند. به عنوان نمونه یوهان ژاکوب رایسکه⁵⁹ (1716-1774 م.) مستشرق آلمانی مقامات حریری را به لاتینی ترجمه کرد. اتین مارک کاترمر⁶⁰ (1782-1857 م.) و مارسل دوویک⁶¹ (متوفی 1882 م.) مستشرقان فرانسوی هر یک به صورت جداگانه مقامات حریری را به زبان فرانسه ترجمه کردند. جوزف اشتینگاس فرانسویس⁶² (1825-1903 م.) مستشرق آلمانی‌الاصل بخشی از مقامات را به انگلیسی درآورد و فردریش روکرت⁶³ (1788-1866 م.) مستشرق آلمانی این اثر را به زبان آلمانی ترجمه نمود.

سخنی در باب این گزیده

سخن علمی در باب هر اثر، سخنی است که به متن اصلی ارجاع دارد. به همین جهت، از روزگاران گذشته همواره علم‌آموزان در صدد دستیابی به متون اصلی در رشته مورد نظر خود بوده‌اند. با پیشرفت تمدن و گسترش روزافزون آثار و کتب، دیگر خوانش تمام متون اصلی و مرجع، از ابتدا تا انتها، برای همگان مشکل و در مواردی ناممکن گشت، زیرا تکثر و تنوع، جریانی قدرتمند از نگارش‌های گوناگون و به تبع خلق آثار

گونگون پدید آورد و در این ازدحام و تکثر اگر کسی بخواهد به سراغ تمام متون برود و آن‌ها را مورد مطالعه قرار دهد ناچار عمری می‌باید به سان عمر نوح و بلکه بسیار بیشتر!

امروز که جهان با شتاب روزافزون، بر این تنوع و گستردگی دامن می‌زند، ضرورت ایجاد گزیده از متونی که خواندن کامل آن‌ها تنها و تنها برای افراد بسیار معدود ممکن و ضروری است، چندان نیازی به اقامه دلیل نخواهد داشت. این کار اگرچه مخالفانی دارد که معتقدند باید افراد با اصل متون آشنا باشند و گزیده کردن، علم‌آموزان را به وادی کم‌کاری و عادت پخته‌خواری می‌کشاند، لیکن باید قبول کرد که در جهان امروز که فقط «می‌نگریم و می‌رویم» و آدمی هزاران دغدغه و طالب علم صدها و بلکه هزاران کتاب ناخوانده در پیش چشم دارد، رساندن شمه‌ای از گلستان هر اثری به دماغ او، وی را به سوی علایق خویش رهنمون خواهد کرد.

این ترجمه گزیده‌ای از کتاب مقامات الادبیة از ابومحمد قاسم بن علی بن محمد بن عثمان الحریری البصری، چاپ دارالکتب العلمیة بیروت است. ما کوشیده‌ایم مقدمه و هفت مقامه را که بر اساس اصول و قوانین گزیده‌نویسی نشانه‌ای از کلیت مقامات حریری هستند، ذکر و ترجمه کنیم. این گزیده صرفاً جنبه آموزشی دارد و به گونه‌ای مطالب را ارائه داده است که دانشجویان بتوانند به صورت خودخوان از آن استفاده کنند. این گزیده می‌تواند به عنوان نمونه و الگویی در نوع خوانش مقامات حریری قلمداد شود و برای تحقیقات دانشجویی در حوزه مقامات پژوهی نقطه شروع و اتکا به‌شمار آید. تفاوت اصلی این گزیده با سایر ترجمه‌های مقامات حریری را می‌توان در موارد زیر دانست:

1. این ترجمه گزیده برخلاف سایر ترجمه‌های مقامات حریری، در عین روان بودن، گویای معانی دقیق لغات و ترکیبات عربی مقامات نیز هست. در این گزیده ضمن توجه به ترجمه کهن مقامات و نیز ترجمه آقای گلشاهی - که در بحث ترجمه‌های فارسی مقامات به بررسی آنها پرداختیم - تلاش شده است نقاط نادیده گرفته شده این دو ترجمه نیز پوشش داده شود.
2. مقدمه مقامات به همراه هشت مقامه منتخب به صورت کامل آورده شده است، تا خوانندگان و خصوصاً دانشجویان بتوانند با همه ابعاد به کارگیری سخن و ویژگی‌های سبکی و ادبی به کار رفته در مقامات آشنا شوند و قضاوتی علمی و منصفانه در این باب داشته باشند.
3. در انتخاب مقامات از حیث محتوایی بدین مسئله توجه شده است که علاوه بر فواید و نکات آموزشی، اخلاقی، تربیتی و اجتماعی، بازتابی از سیمای فرهنگی و اجتماعی عصر نگارش مقامات نیز در آن گنجانده شود.
4. توجه به ساختار مقامات همواره مد نظر بوده و تلاش شده تا نمونه‌هایی از مقامه‌های مختصر و مفصل حریری در این گزیده عرضه شود، ضمن اینکه برقراری تناسب میان حجم گزیده با کلیت مقامات از نظر دور نبوده، و توجه به جامعیت گزیده همواره دغدغه مترجمان بوده است.
5. کلمات مشکل عربی مقامه‌ها در قسمت یادداشت‌ها معنی و شرح شده است. در این یادداشت‌ها - که به بخش یادداشت‌ها منتقل شده - مباحث لغوی، صرف و نحوی، ادبی و تمثیلی به گونه‌ای مورد بررسی قرار گرفته که سبب تقویت و پرورش روحیه پژوهشگری و متن‌شناسی دانشجویان شود و چگونگی استفاده از فرهنگ‌های معتبر عربی را به آن‌ها آموزش دهد.

مقدمه

1. وفیات الاعیان، 4: 67؛ معجم البلدان، 2: 235، 5: 131؛ البداية و النهایة، 2: 192.
2. وفیات الاعیان، 4: 67؛ الانساب، 4: 137.
3. پیشین.
4. معجم الادباء، 16: 218، 261. درباره سایر استادان وی ر.ک: مقدمه مقامات حریری (ترجمه فارسی)، به اهتمام علی رواقی، ده.
- . البداية و النهایة، 12: 192
6. شذرات الذهب، 6: 85.
7. وفیات الاعیان، 4: 67؛ الانساب، 4: 107، البداية و النهایة، 12: 192، شذرات الذهب، 6: 81.
8. وفیات الاعیان، 4: 67؛ شذرات الذهب، 6: 81. برخی بدون ذکر مأخذ، پسران حریری را سه تن نام برده و فرزند سوم او را ابوالعباس گفته‌اند؛ مقامه‌نویسی در ادبیات فارسی و تأثیر مقامات عربی در آن، 80. اما در منابع مورد مراجعه ما چنین مطلبی یافت نشد.
9. وفیات الاعیان، 4: 66؛ شذرات الذهب، 6: 84، الاعلام، 5: 177.
1. لسان العرب، 12: 506.
11. مقامه‌نویسی در ادبیات فارسی و تأثیر مقامات عربی در آن، 8.
12. مقامه‌نویسی در ادبیات فارسی و تأثیر مقامات عربی در آن، 13.
13. مقامات حریری، 11.
14. سبک‌شناسی، 2: 326.
1. بحثی در چگونگی پیدایش مقامات در ادب عربی، 256-258.
16. پیشین، 259-261.
17. مقامه‌نویسی بعد از بدیع الزمان، 59-80.
18. پیشین، 82-83.
19. مقامات حمیدی، 20.
2. پیشین، پیشگفتار، 11.
21. از جمله می‌توان مقامات امیری اثر ادیب الممالک (متوفی 1336) را نام برد. مقامات میرزا جعفر ریاض (متوفی 1268) و نمکدان اثر صفاءالحق همدانی (متوفی 1341 شمسی) نیز قابل ذکر هستند که هر سه به صورت نسخه خطی باقی مانده‌اند و حتی اقبال عمومی برای چاپ به دست نیاورده‌اند. مقامه‌نویسی در ادبیات فارسی و تأثیر مقامات عربی در آن، 390؛ مقامه‌نویسی بعد از بدیع الزمان، 81.
22. مقامه‌نویسی در ادبیات فارسی و تأثیر مقامات عربی در آن، 395-507.
23. القصة فی الادب الفارسی، 367.
24. در معنای پیکارسک اختلاف نظر وجود دارد. اگرچه تقریباً مشخص است که واژه انگلیسی «picaresque» از واژه اسپانیایی «picaresco» یا «picares» وام گرفته شده است، اما خود «پیکارو» واژه‌ای است که ریشه‌ها و تاریخچه آن به صورت مشخص روشن نیست. این واژه در مقطعی از زمان وارد زبان دزدان حرفه‌ای شد، در برهه‌ای دیگر پیکاروها کسانی بودند که کارهای یدی می‌کردند و در اطراف آشپزخانه‌ها یا اصطبل‌ها وقت‌گذرانی می‌کردند، این افراد چندان ارتباطی با مفهوم بزهکاری و بی‌اخلاقی نداشتند؛ در حدود قرن شانزدهم میلادی اندک اندک این واژه معنای منفی به خود گرفت و به مفهوم گدا و گدایی تغییر معنا یافت. پیکارسک، 8-11.
2. پیکارسک، 3.
26. پیکارسک، 4-5.

27. پیشین، 45.
28. پیشین، 53.
29. پیشین، 95.
3. پیکارسک، 91.
31. در باب بررسی و مقایسه مقامات و پیکارسک هنوز جای سخن بسیار است، لیکن به مقتضای اندک این مقدمه از تفصیل این بحث چشم می‌پوشیم؛ تا آنجا که نگارنده به جستجو پرداخته تا کنون کاری جدی - جز مباحث بسیار مختصر و کوتاه و غالباً تکراری - در باب مقایسه این دو نوع ادبی چه در زبان‌های فارسی و عربی و چه در آثار اروپایی انجام نگرفته است؛ خصوصاً در مورد ریشه‌های اصلی پیدایش پیکارسک و احتمال تأثیر گذاری مقامات عربی بر این نوع که با وجود قرن‌ها سکونت مسلمانان در اندلس چندان بعید نمی‌نماید، می‌تواند محمل تأمل و پژوهش برای ارباب تحقیق باشد. برای بحث نگارش مقامات در غرب جهان اسلام رجوع کنید به مبحث: مقامه‌نویسی در غرب اسلامی در مقاله: مقامه‌نویسی بعد از بدیع الزمان، 77-81.
32. تاریخ الاسلام، 36: 304؛ الفخری: 294؛ البداية و النهاية، 12: 192؛ شذرات الذهب، 6: 166. در باب ماهیت این شخص که حریری مقامات خود را برای وی نوشته اختلاف نظر وجود دارد. منابع مذکور او را انوشروان کاشانی (وزارت 516-529) وزیر المسترشد بالله می‌دانند. ابن خلکان علاوه بر فرد مذکور بر اساس دست خطی از حریری که بر پشت نسخه‌ای از مقامات به خط خود وی در سال 656 در قاهره دیده است فرد مورد نظر را جلال الدین عمید الدوله علی بن صدقه (وزارت 512-516) دیگر وزیر المسترشد بالله می‌داند. وفیات الاعیان، 4: 64. اما با توجه به این که حریری نگارش مقامات خود را در سال 504 به پایان رسانیده، هیچ یک از افراد فوق نمی‌توانسته فرد مورد نظری باشد که حریری در مقدمه مقاماتش به او اشاره کرده است زیرا هیچ یک از این دو تن در زمان اتمام مقامات وزیر و صاحب‌منصب نبوده‌اند. شریشی (557-619) شارح بزرگ مقامات از قول ابوالقاسم ابن جهور این فرد را المستظهر بالله خلیفه عباسی (خلافت 487-512) می‌داند که حظی از ادب داشته و به اهل علم و هنر توجه می‌نموده است؛ شرح مقامات حریری، 1: 27. پس می‌توان چنین فرض کرد که حریری مقامات خویش را به درخواست المستظهر نوشته و در خدمت او به مقامی والا رسیده و پس از فوت وی نیز او با همان عزت نزد المسترشد بالله زیسته و دو نسخه‌ای از مقامات خود را به نام دو وزیر فوق تقدیم داشته است.
33. البداية و النهاية، 12: 192؛ شذرات الذهب، 6: 83-84.
34. مقامه‌نویسی در ادبیات فارسی و...، 83-89؛ حریری و مقامات او، 7-8.
3. الانساب، 4: 106؛ صبح الاعشی فی کتابة الانشاء، 14: 110؛ معجم الادباء، 16: 247.
36. البداية و النهاية، 12: 192.
37. وفیات الاعیان، 4: 64-65؛ الاعلام، 7: 253.
38. وفیات الاعیان، 4: 65؛ البداية و النهاية، 12: 192؛ شذرات الذهب، 6: 83. متن این حدیث به صورت مذکور مورد تردید واقع شده و چنان که مصحح شذرات الذهب تحقیق نموده صورت صحیح حدیث به این قرار است: «سَمَوُا بِأَسْمَاءِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَحَبُّ الْأَسْمَاءِ إِلَى اللَّهِ عِبْدَ اللَّهِ وَ عِبْدَ الرَّحْمَنِ وَ أَصْدَقُهَا حَارِثُ وَ هَمَامُ وَ أَقْبَحُهَا حَرْبُ وَ مَرَّةٌ». همچنین، به صورت «أَصْدَقُ الْأَسْمَاءِ هَمَامُ وَ حَارِثُ» نیز ذکر شده است. شذرات الذهب، 6: 192؛ المفردات فی غریب القرآن، 229. گمان می‌رود حریری به این احادیث بیشتر نظر داشته و خواسته از طریق گذاشتن نام حارث بن همام بر راوی خود، راستگویی و حقیقت‌نمایی داستان‌های خویش را تقویت کند.
39. مقامه‌نویسی در ادبیات فارسی و تأثیر مقامات عربی در آن، 79؛ حریری و مقامات او، 7.
4. شذرات الذهب، 8: 74.
41. البداية و النهاية، 13: 96.
42. تاریخ الاسلام، 45: 198-199.
43. الاعلام، 6: 201.
44. هنرهای نسخه‌پردازی، 16.
4. به عنوان مثال محمد بن قرقماس (802-882) ادیب مصری که در خدمت ممالیک مصر به سر می‌برد کتابی با عنوان معارضة

- مقامات الحریری نوشت اما این کتاب هرگز توفیقی نیافت، الاعلام، 7: 10.
46. حریری و مقامات او، 8-13.
47. الفخری، 21-22، ترجمه الفخری، 16.
48. الاعلام، 6: 107؛ 3: 107.
49. الاعلام، 1: 164. این شرح آخرین بار با عنوان شرح مقامات حریری در پنج جلد به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم به سال 1998/1418 در بیروت چاپ شده است.
- معجم البلدان، 1: 498.
1. الاعلام، 7: 348.
2. پیشین، 2: 294.
3. مقدمه مقامات حریری (ترجمه فارسی)، بیست.
4. پیشین. نسخه این ترجمه کامل بوده و آقای دکتر علی رواقی آن را در سال 1365 تصحیح و چاپ کرده است. این ترجمه در موارد زیادی به دلیل استفاده از معادل‌های دقیق و کهن فارسی در برابر لغات عربی و نیز تلاش برای ترجمه لفظ به لفظ و دقیق کلمات، بسیار شایسته توجه است. ضمن اینکه دقت و امانت مترجم تا بدان جاست که حتی در چینش و نحو جملات نیز کاملاً تابع شیوه عربی مقامات است.
- گویا آخرین ترجمه‌ای که از مقامات حریری در زبان فارسی صورت گرفته است ترجمه طواق گلندی گلشاهی است که در سال 1387 توسط انتشارات امیرکبیر منتشر شده است. این ترجمه که در پاره‌ای از موارد بدان رجوع کرده‌ایم، ترجمه نسبتاً خوبی است اما چون مترجم سعی داشته ترجمه‌ای عمومی از مقامات ارائه دهد ویژگی ترجمه‌های تفسیری را دارد و از همین رو برای بررسی‌های تخصصی در حوزه مقامات حریری اگرچه قابل استفاده، اما کافی نیست.
6. فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه ملی ملک، 1: 722. متن عربی این نسخه به خط نسخ و ترجمه طبری آن میان نسخ و نستعلیق است. حاشیه‌ای به عربی نیز دارد.
7. ترجمه‌ای از مقامات حریری به زبان طبری، 477-478.
8. مقدمه مقامات حریری (ترجمه فارسی)، نوزده.

9. Jacob Reiske.

6. Marc Quatremere.

61. Devic.

62. Steingass Francis.

63. Friedrich Rückert.